

یاران امامان

۳

علی بن مهزیار اهوازی

راه خدا خدمت های بن شائبه، تقدیم خاندان عصمت و طهارت نموده باشد. آنگاه حضرت برایش دعای فرماید و از خدای خواهد که آن رحمت و ویژه خود را که منتهای آرزوی یک انسان می تواند باشد، مشمول حال این بنده مخلص خود قرار دهد و او را در خیرترین و شاداب ترین باغهای فردوس برین اسکان دهد. و از همه بالاتر که امام از خدای خواهد علی بن مهزیار را با اهل بیت محشور نماید که نعمتی از این بالاتر و ارزشمندتر وجود ندارد، و برای یک پیرو صادق و مخلص، هیچ آرزویی، لذت بخش تر و بهتر از این نیست که در روز رستاخیز، وهنگامی که تمام خلایق چشم براه و منتظر ترحم بزرگان دین اند، مورد شفاعت پیشوایان و امامان معصوم قرار گیرد و با آنها محشور شود.

نامه های امام جواد به ابن مهزیار

برای شناختن علی بن مهزیار، همان به که دیگر نامه های حضرت را که به او نوشته اند، نقل کنیم تا هم این یار مخلص امام رضا و امام جواد و امام هادی علیهم السلام، بهتر شناخته شود و هم از بیانات امام جواد سلام الله علیه، لذت ببریم و محظوظ شویم.

در یکی دیگر از نامه هائی که امام به او می نویسد چنین آمده است:

«قد وصل الی کتابک، و فهمت ما ذکرته فیه، و قد ملائنی سروراً فسرک الله و انا ارجو من الکافی الدافع ان یکنفی کید کل کائد ان شاء الله

را سراغ ندارم که اینقدر مورد اطمینان باشد و اینقدر خوب و با اخلاص، انجام وظیفه کرده باشد و در گرما و سرما و شب و روز برای خدا و در

ای علی! خداوند جزای خیرت دهد و در بهشت برین جایب دهد، و از لذت و خواری در دنیا و آخرت مصونت گرداند و با ما محشورت فرماید.

ای علی! من در نصیحت، اطاعت، فرمانبری، خدمت، احترام و انجام وظیفه هائی که بر عهده تو است، آزمایش و امتحان کردم و اکنون اگر بگویم شخصی را مانند تو ندیده ام امیدوارم که درست گفته باشم (مبالغه نکرده باشم) پس خداوند پاداش تو را از باغهای بهشت عطا نماید. مقام و منزلت تو بر من پوشیده و پنهان نیست و همچنین خدمتهای تو در گرما، سرما، شب و روز بر من مخفی نمی باشد، و لذا از خداوند مسئلت دارم روزی که خلایق و بندگانش را جمع کرد و محشور نمود، تو را مشمول رحمت بی پایان خویش - که آرزوی او را داری - قرار دهد، زیرا خدا ادعای او را رد نمی کند.

این ترجمه یکی از نامه هائی است که امام جواد علیه السلام برای یار باوفایش علی بن مهزیار نوشته است.

امام معصوم که کلمه ای جز حقیقت نمی گوید و هیچگاه مبالغه و گزاف در سخنان مبارکش یافت نمی شود، درباره یکی از اصحابش اینچنین تقدیر و تشکر می نماید و او را به بزرگی می ستاید؛ از اینجا معلوم می شود علی بن مهزیار دارای چه مقام والا و سترگی است که امام می فرماید: من تو را در تمام حالات زندگی و از هر نظر امتحان نموده ام و مانند تو ندیده ام، یعنی در میان یارانم کسی

تعالی:»

نامه ات به من رسید و از مضمون آن مطلع شدم، تو قلبم را پراز سرور و شادی کردی، خداوند تورا شاد گرداند و من از خدائی که رد کننده و دافع تمام بلیات است، می خواهم مکر و کید هر دشمن بدکار را دفع کند، ان شاء الله. و در نامه ای دیگر می فرماید:

«... وقد فهمت ما ذكرت من امر القتيين خلصهم الله وفرج عنهم، وسرتني بما ذكرت من ذلك سرًا الله بالجنة ورضي عنك برضائي عنك، وأنا أرجو من الله العفو والرفقة وأقول: حسبنا الله ونعم الوكيل»:

... و آنچه درباره قتمی ها نوشته بودی دانستم، خداوند آنها را رها سازد و گره از کارهایشان بگشاید. و از آنچه ذکر کرده بودی خرسند گشتم. خداوند ترا با بردن به بهشت، شاد و مسرور نماید و از تو راضی شود چون من از تو راضی هستم. و من از خدا خواستار عفو و بخشش و مهربانی اویم و می گویم: خدا ما را بس است که چه نیکو تکیه گاهی است.

و در پاسخ نامه ای دیگر که گو یا خدمت امام معروض داشته که مسافرتی در پیش دارد و بنا بوده است که یکشنبه مسافرت کند، ولی به دوشنبه تأخیر افتاده، و از حضرت می خواهد که برایش دعا کند تا در مسافرتش آسیب نبیند و او نرسد، حضرت چنین می فرماید:

«... وأسأل الله أن يحفظك من بين يديك ومن خلفك وفي كل حالائك وأبشرفاني أرجو أن يدفع الله عنك وأسأل الله أن يجعل لك الخيرة فيما عزم لك به من الشخصوس في يوم الأحد فأخبر ذلك الي يوم الاثنين ان شاء الله، صحبتك الله في سفرك وخلفك في أهللك وأذى عنك أمانتك، وسلمت بقدرته.»:

... و از خداوند می خواهم تورا در در و برو و در پشت سر حفظ کند و در تمام حالات نگهدارد. و ترا بشارت باد! من آرزو دارم خداوند هر بلائی را از تو دفع ورد کند و از حق تعالی مسئلت دارم که خیر تورا در آنچه که بر آن در و زیکشبه نیت کردی و تا دوشنبه بتأخیر افتاد، قرار دهد ان شاء الله.

خدا ترا در سفرت همراه باشد و نگهبان خانواده ات باشد و امانتت را از سوی تو ببرد آرد و به قدرت خویش، ترا سلامت بدارد.

و در نامه ای که علی بن مهزیار خدمت امام می نویسد و از حضرت می خواهد برای او دعا کند، حضرت پاسخ می دهند:

«... وأما ما سألت من الدعاء فانك بعد لت تدري كيف جعلك الله عندي، وربما ستبتك يا سعلك ونسبك مع كثرة عنايتي بك، ومحبتي لك ومعرفتي بما أنت عليه، فأدام الله لك أفضل ما رزقك من ذلك، ورضي عنك برضائي عنك، وبلغك بيتك، وأترك الفردوس الأعلى برحمة أنه سميع الدعاء. حفظك الله وتوكل ودفع عنك السوء برحمة. وكتب بخطي.»:

... و اما اینکه درخواست کرده بودی برایت دعا کنم، تو تا کنون نمیدانی خداوند ترا چگونه در نظرم قرار داده (و چه قرب و منزلتی نزد من داری) و شاید تورا به تمام و کسالت خدا کنم با آنهمه عنایت و احترامی که برایت قائل هستم و محبتی که بر تو دارم و شناختی که از تو دارم، امیدوارم خداوند بهترین این نعمتها را همواره بر تو ارزانی دارد و از تو راضی باشد که من از تو راضی هستم، و حاجتت را بر آورده سازد و ترا با رحمت خویش در فردوس برین جای دهد که همانا خداوند شنونده دعا است. خدا به سلامت بدارد و با مهربانی خویش، هر شر

و بلائی را از تو دور سازد. و این نامه را با خط خودم نوشتم.

علی بن مهزیار کیست؟

او فرزند یک مرد نصرانی بود که اسلام آورد، و برخی گویند خود علی بن مهزیار نیز در کوچکی نصرانی بوده و اسلام آورده و در خدمت اهل بیت پرورش یافته و در مکتب امام رضا و امام جواد و امام هادی علیه السلام فقه آل محمد را فرا گرفته و جز به بهترین و مخلص ترین یاران امامان شده است.

مرحوم کشی در رجال خود گوید: «اواز اهالی هندگان [قریه ای از قرای فارس] بوده و سپس ساکن اهواز شده است»، و بنا بر گفته یاقوت حموی در معجم البلدان، «هندگان» همان «هندبجان» است که در خوزستان و نزدیک خرمشهر قرار دارد.

مرحوم کشی در ادامه سخنانش می گوید: «هر روز هنگام طلوع آفتاب، علی بن مهزیار به خاک می افتاد و سر خود را از سجده بلند نمی کرد تا برای هزار نفر از برادران دینیش همان دعائی را کند که برای خود می کرد، و اثر سجده در پیشانی نمودار بود... هنگامی که عبدالله بن جندب از دنیا رفت، علی بن مهزیار قائم مقام او بود.»

از وی نقل شده است که گفت: هنگامی که در قرقا (در راه مکه بین قادسیه و عقبه قرار دارد) در سال ۲۲۶ بودم، سحرگاه شبی از شبها، برای وضو گرفتن از منزل بیرون آمدم، هنگام مسواک کردن، خود را ناگهان دور از قافله و مردم دیدم، یکباره به مسواکم نگرستم دیدم در آخر آن، آتشی شعله وراست و شعاعش مانند درخشش خورشید است، با کمال شگفتی،

ولی بدون ترس، دستم را به آن نزدیک کردم، ولی متوجه شدم حرارت و گرمی ندارد، فوراً این آیه را خواندم: «الذي جعل لكم من الشجر الأخضر ناراً فإذا أنتم منه توقدون»^۳: همان خدائی که از درخت سبز، برای شما آتشی پدید آورد که از آن می آفرزید.

در هر صورت، خیلی به فکر و تعجب فرو رفته بودم و این آتش همچنان ادامه داشت تا اینکه به سوی خانواده ام باز گشتم، هوا بارانی بود و غلامانم دنبال آتش می گشتند، هنگامی که چشمشان به من افتاد گفتند: ابوالحسن دارد می آید و آتش در دست دارد. یک نفر مرد بصری که با ما همراه بود، نیز همین سخن را تکرار کرد، ولی وقتی او و غلامانم دست به آن مسواک زدند، دیدند حرارتی ندارد! خلاصه پس از مدتی خاموش شد و دوباره روشن و باز هم خاموش و پس از آن روشن شد و دربار سؤم دیگر روشن نشد. پس از لحظه ای به مسواک نگاه کردم دیدم هیچ اثری از سوختگی و آتش در آن نیست، آن را نگهداشتم تا اینکه فردای آن روز خدمت سرورم امام هادی علیه السلام رسیدم و داستان را به حضرت عرض کردم.

امام، مسواک را از من گرفتند و با دقت به آن نگرستند، آنگاه فرمودند: «هذانور»: این نور است. عرض کردم: قربانت گردم، فرمودی: نور! فرمود: آری! چون توبه اهل بیت علاقه داری و از من و بدو نام اطاعت می کنی، خدا آن نور را به تونشان داد.

تألیقات ایشان:

علی بن مهزیار نه تنها روایت حدیث می کرده و فقیه بوده است، بلکه کتابهای

زیادی را به رشته تحریر در آورده که آنها را فهرست و ارتقل می کنیم:

کتاب الصلاة - کتاب الصوم - کتاب الزکاة - کتاب الحج - کتاب الطلاق - کتاب الحدود - کتاب الذبیات - کتاب التفسیر - کتاب الفضائل - کتاب العتق والتدبیر - کتاب التجارات والاجارات - کتاب المکاسب - کتاب المثالب - کتاب الذمائم - کتاب التجمیل والمروءة - کتاب المزار - کتاب الرد علی الغلاة - کتاب الوصایا - کتاب الموارث - کتاب الخمس - کتاب الشهادات - کتاب فضائل المؤمنین و بیزهم - کتاب الملاحم - کتاب التقیة - کتاب الصید والذبائح - کتاب الزهد - کتاب الاشریة - کتاب النذور والایمان والكفارات - کتاب الحروف - کتاب القائم - کتاب البشارات - کتاب الانبیاء و کتاب النوادر.

در هر صورت، این بزرگمرد، هم از امامان ما روایت نقل کرده و هم از سوی آنان و کالت و نمایندگی یافته و بقدری مورد اطمینان و علاقه ائمه بوده است که استفتائات شیعیان را پاسخ می داده و خیرش به تمام مردم می رسیده و از هیچ کمک و یاری به پیروان امامان دریغ نداشته و هیچ کس در روایتش طعن نمی کند، بلکه همه او را مورد وثوق می دانند. خدایش رحمت کند و با سرورانش محشور فرماید.



لازم به تذکر است که برخی پنداشته اند، این علی بن مهزیار، همان علی بن ابراهیم بن مهزیار است که به خدمت امام زمان صلوات الله علیه شرفیاب شده، در صورتی که آن داستان بفرض اینکه درست باشد مربوط است به برادر

زاده علی ابن مهزیار زیرا ابراهیم برادر علی بوده و آن علی فرزند ابراهیم است، لذا هیچ ربطی به آن بزرگوار ندارد، و اینکه بعضی از علمای رجال خیال کرده اند ایشان تا زمان حضرت عسکری «علیه السلام» یا امام زمان «ع» زنده بوده است، وجهی ندارد، زیرا گرچه سال وفات او در تاریخ مشخص نشده، ولی گفته شده است که در زمان امام هادی «ع» وفات کرده، و تازه اگر تا زمان امام عسکری «ع» زنده بود، خوب بود یک روایت لااقل از آن حضرت نقل می کرد.

مراجع:

رجال کفشی - رجال نجاشی - وسائل الشیعة - سفینة البحار - معجم رجال الحدیث - بحار الانوار - الکنزی والألقاب - قاموس الرجال

۱- متن نامه امام جواد علیه السلام چنین است:

«بسم الله الرحمن الرحيم. يا علي احسن الله جزاك، وأسكنك جنته ومنعك من الخزي في الدنيا والآخرة، وحشرك الله معنا. يا علي اقد بلوتك وغبرتک في التصبحة والطاعة والخدمة والتوقیر والقيام بما يجب عليك، فلو قلت: اني لم امرتك لرجوت أن اكون صادقا فجزاك الله جنات الفردوس نزلًا. وما عفي علي مقامك ولا خدمتك في الحر والبرد والليل والنهار، فأسأل الله اذا جمع الخلائق للقيامة أن يحولك برحمته تعتط بها الله سمع الدعاء.»

۲- کتشی در رجال خود، این جمله را چنین آورده است: «وکان من اهل الهند کان في قرية من قرى فارس»، و برخی از نویسندگان مانند مرحوم شیخ عباس قتی در سفینة البحار، پنداشته اند که او از قریه ای به نام هند بوده و «کان» که بعد از «هند» آمده، اضافه است، لذا آن را برداشته اند، و برخی دیگر جمله را همانگونه که ذکر شده بدون هیچ توضیحی نقل کرده اند، ولی اصل همان است که «هند کان» معرب «هندیجان» است.

۳- سوره یس - آیه ۸۰